

علامه شیخ محمد تقی قمی؛ همزیست دارالتقریب

ع.ر. امیردهمی

ولادت و تحصیلات

در خانواده‌ای از اهل علم و دانش، در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی (مطابق با ۱۹۱۰ میلادی) در شهر مقدس قم، نوزادی به دنیا آمد که وی را محمدتقی نام نهادند. پدرش شیخ احمد از عالمان دین، و یکی از قضات بزرگ شهر تهران بوده است. اجداد وی نیز تا هفت پشت از عالمان دین به شمار می‌رفتند و خانه‌هایشان، محل مراجعه مردم برای حل مشکلات دینی و اجتماعی بوده است. محمدتقی، در چنین خانواده‌ای رشد و نمو کرده است و از همان دوران نونهالی و کودکی با محیط علم و دانش آشنا بوده است و به تحصیل علم پرداخته است.

وی دروس ابتدایی را در تهران فرا گرفت و به حفظ قرآن و یادگیری زبان و ادبیات عربی پرداخت. پس از سپری کردن دوره تحصیلات دبیرستان به مدرسه عالی ادبیات راه یافت و در خلال آن به فراگیری زبان فرانسوی پرداخت و همزمان به تحصیل علوم دینی هم مشغول شد و زیر نظر اساتید برجسته، در علم فقه، اصول، کلام و سایر علوم دینی به آموزش و پژوهش پرداخت. وی در ادامه تلاش‌های علمی‌اش علاوه بر سه زبان فارسی، عربی، فرانسوی، با زبان انگلیسی هم آشنا شد از این رو، به منابع وسیعی دسترسی داشت و با احاطه بر آنها همواره بر اندوخته‌های علمی‌اش می‌افزود و پس از چندی به درجه استادی رسید و در عرصه علمی - فرهنگی فعالیت خوبی را ارائه داده است.

زمینه‌های روی آوری بیشتر به تقریب

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقریب میان مذاهب اسلامی است. لیکن پیش از پرداختن به زوایای گوناگون آن، شایسته است به زمینه‌های روی آوری وی به تقریب اشاره‌ای شود. وی همانند دیگر مصلحان امت اسلامی از وضعیت نابهنجار عمومی جامعه اسلامی به ویژه درگیری‌های میان شیعه و سنی رنج می‌برد. به ویژه آن‌که در زمان وی حادثه دردناک کشتن (اعدام) یک حاجی ایرانی از ذریه پیامبر ﷺ به اتهام اهانت به کعبه مکره اتفاق افتاد. اجمال آن چنین بود که یکی از حجاج ایرانی در اثناء طواف، حالش به هم خورد، و نتوانست از میان طواف‌کنندگان خودش را بیرون کشد، دامن پیراهنش را جمع کرد و آنچه را که بالا آورده بود در آن ریخت تا مبادا، مطاف و مسجد الأرض آلوده گردد، سپس با سرعت خواست از مسجد خارج گردد که پلیس وی را دستگیر کرده، از آنچه که در دامنش بود، پرسید و چون وی نتوانست به عربی سخن گوید تلاش کرد به زبان فارسی جریان را به او بفهماند ولی نتوانست او را متوجه سازد. پلیس وی را تحویل دادگاه داد و در آن زمان‌ها یا مترجمان فارسی زبان نبودند یا آنان پیگیری نکردند و بر اساس اوهام و خیالبافی‌های خود و برداشت‌های نادرستی که از ایرانی و شیعه داشته‌اند، تصور کرده‌اند که همه ایرانی‌ها جهت حج به نجف و کربلا می‌روند و آمدن آنها به مکه فقط برای اهانت کردن بیت‌الله الحرام است!! و سپس نتیجه گرفتند که این شخص قصد داشت کعبه را نجس و اهانت کند، لذا حکم اعدام صادر کردند... و با اجرای حکم، گردنش را زدند!!!

این حادثه دردناک، روح و جان شیخ محمدتقی را تکان داده است و وی را واداشت تا به کار بزرگی پردازد که بتواند میان مذاهب مختلف، آشتی و روح محبت و مودت ایجاد کند و عوامل تفرقه و کینه را از میان بردارد.

سفر به لبنان

از این رو، برای آغاز فعالیت، کشور مصر را برگزید که به چند جهت حائز اهمیت بود و مهم‌ترین آن برخورداری از بزرگترین مرکز اسلامی در جهان بود به نام دانشگاه ازهر و از آن‌جا که شیخ در ابتدا نتوانست به خوبی به زبان عربی تکلم کند، به لبنان مسافرت کرد تا به تقویت مکالمه عربی بپردازد. وی یکی از روستاها را برای اقامت انتخاب کرد تا با پیران و جوانان در طول شبانه روز به گفت‌وگو و معاشرت پردازد و بتواند از این طریق در طول چند ماه، بر تکلم عربی مسلط شود.

شیخ محمدتقی در خاطرات این ایام، جریان یک مرد مسیحی را - در برخی از مقالاتش آورده

است - که سعی می‌کرده، محبت و دوستی اهل روستا را کسب کند و مردم روستا هم وی را دوست داشته، احترام خاصی برای او قائل بودند به گونه‌ای که وقتی به خیابان می‌رفت، مردم بر گردش حلقه می‌زدند، با او سخن می‌گفتند، دستش را می‌بوسیدند.

این گونه برخوردهای محبت‌آمیز، پرسشی را در ذهن شیخ برانگیخت تا این که روزی، راز و رمز آن را از مرد مسیحی پرسید، وی در پاسخ با اشاره به مدرسه‌ای که در کنار کلیسای روستا قرار داشته، گفت: علت این همه صمیمیت و احترام این مدرسه است. ما سعی می‌کنیم در کنار هر کلیسا، مدرسه‌ای دایر کنیم و در آن فرزندان روستا را از نظر فکری، روحی و عاطفی پرورش دهیم و آنچه که می‌بینید، ثمره این تلاش است.

این جریان، شیخ را به یاد پیشرفت و تمدن اسلامی در عصر طلایش انداخت که همواره دانش و تعلیم و تربیت از مسجد جدا نبوده و فاصله نگرفته بود.

سفر به مصر

پس از کامل کردن محاوره و مکالمه زبان عربی و کتابت آن، در سال ۱۹۳۸ میلادی علامه شیخ محمدتقی قمی لبنان را به قصد مصر ترک کرد و با اولین شخصیتی که در آنجا ارتباط برقرار کرد، رئیس الازهر - وقت، شیخ بزرگ محمد مصطفی مراغب بود. وضعیت کینه و تفرقه و تشنت مسلمانان را برای وی بازگفت و اندیشه تقریب میان مذاهب اسلامی را مطرح کرد. شیخ مراغب - با توجه به وضعیت سیاسی و اختناقی که در آن عصر حکم فرما بود - با ترس و لرز اصل موضوع را پسندید و وی را مورد تشویق قرار داد و بعدها به گونه‌های گوناگون این اندیشه را دنبال کرد و کمک‌های لازم را ارائه نمود. در گام بعدی، به علامه قمی پیشنهاد داد که کارش را با برگزاری یک سلسله سخنرانی در دانشگاه الازهر و جاهای دیگر آغاز کند و برای این که وی به راحتی بتواند با برخی از شخصیت‌ها به ویژه متفکران تقریبی ارتباط برقرار کند، زمینه‌های مساعدی فراهم شده است.

در پی آن، علامه بلاغی، خانه‌ای محقر برای محل اسکان و زندگی‌اش اجاره کرد که پس از آن مرکزی برای فعالیت علمی و سپس مقرری فعال برای تقریب در قاهره به شمار رفت. در خلال اقامتش در مصر، با متفکران و اندیشمندان مختلف در دانشگاه الازهر ارتباط برقرار کرد که هر یک از آنان نسبت به شخصیت علمی، ادبی، و اخلاص و مودت به وی ابراز علاقه وافر نموده‌اند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، علامه قمی، مجبور شد به ایران برگردد و در این میان همانند گذشته به تقریب میان مذاهب اسلامی پرداخت. در این عصر - یعنی حدود سال ۱۹۴۵ میلادی - حضرت آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی در شهر قم مستقر بودند و شیخ محمدتقی با وی ملاقات کرد و شرح تفصیلی سفرش و اجمالی از فعالیتش را در موضوع تقریب ارائه نمود. آیه‌الله بروجردی با ابراز خوشحالی و تأیید فعالیت‌هایش، مقرر نمود که از این حرکت پشتیبانی شود. بدین سبب، طرح تقریب مورد تأکید بزرگترین مراجع دینی اهل سنت و شیعه قرار گرفتند؛ چیزی که می‌توان آن را یکی از ارکان اساسی پیروزی و موفقیت چنین طرحی برشمرد.

تلاش‌های تقریبی

- سخنرانی در مجلس ویژه‌ای با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی شهر مقدس مشهد، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی.

- تقدیم نمودن فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی بزرگ مصر، پیرامون جواز پیروی از مذهب شیعه جعفری (که با خط شیخ شلتوت بود)، به آستان قدس رضوی ع.ا.س.

- ارتباط و نامه‌نگاری با بزرگان شیعه. به عنوان نمونه، نامه‌ای که شیخ محمدتقی قمی خطاب به حضرت امام خمینی ع.ا.س. پیرامون صدور بیانیه‌های معظم له در موضوع وحدت و انسجام مسلمانان (به ویژه شیعه و سنی) در ذیل از نظر می‌گذرانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیه‌الله العظمی خمینی دامت برکاته

بعد از سلام و تحیات قلبی

بیانیه‌های شما در مورد اخوت مسلمانان شیعه و سنی، و اهتمام حضرت عالی به مقابله با اختلاف و نهی از تفرقه بین گروه‌های اسلامی و تأکید بر عدم وجود حد فواصل بین شیعه و برادران اهل تسنن، در حقیقت با مسئولیت مرجع بزرگ اسلامی در صحنه جهان اسلام متناسب است. البته تأیید اتحاد محکم، به اذهان دعوت اصلاحی به سوی تقریب مذاهب اسلامی بر می‌گردد، من شخصاً از آن جایی که عمر خود را در راه این دعوت سپری کرده، و بار مسئولیت آن را در سطح جهانی تحمل کردم و از طرف خود و بزرگان علمای هر دو گروه که با من در سراسر جهان همکاری می‌کنند، نهایت ارزش را برای فرمایشات با ارزش شما قائلم و تأثیرات مثبت آن را در دعوت عظمت

مسلمانان می‌ستایم.

برای حضرت عالی مزید توفیق در این راه برای تحقق اهداف متعالی اسلام خواهانم.

محمدتقی قمی ۱۳۵۷/۱۱/۲۸

(روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷)

- اقدام مهم تاریخی در تأسیس دارالتقرب بین المذاهب اسلامی، در سال ۱۳۶۰ هجری قمری به همراه آقایان: شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغب، مصطفی عبدالرزاق و عبدالمجید سلیم.

- انتشار مجله «رسالة الاسلام» که مطالب آن عموماً مربوط به تقریب مذاهب اسلامی، دعوت به وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و تفسیر قرآن کریم بود.

- نامه نگاری و روابطی صمیمانه با شیوخ وقت الازهر، خصوصاً شیخ محمود شلتوت. برای پی بردن به عمق این روابط به چند مورد ذیل که توسط شیخ شلتوت برای ایشان نگاشت گردیده است، اشاره می‌گردد:

● شیخ محمدتقی قمی، پیشوای مصلح و برادر من، نخستین کسی است که علماً را به مسأله تقریب دعوت کرد و به خاطر آن (از ایران به مصر) هجرت نمود.

● آن قدر به او (شیخ محمدتقی قمی) ایمان دارم که در آخرت حاضر هر جا که او را بردند با او بروم، حال هر کس می‌خواهد بیسندد یا نپسندد.

● و در نامه‌ای به علامه شیخ محمدتقی اینگونه می‌نویسد:

جناب آقای علامه جلیل استاد محمدتقی قمی

دبیر کل جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اما بعد با نهایت مسرت، یک نسخه از فتوای امضا شده خود را که در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه صادر نموده‌ام، به پیوست حضورتان تقدیم می‌دارم، امیدوارم آن را در آرشیو دارالتقرب بین مذاهب اسلامی که اینجانب افتخار شرکت در تأسیس آن را دارم، نگاه دارید.

خداوند ما را در پیشرفت رسالت این مؤسسه، توفیق عنایت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله

شیخ جامع الازهر

محمود شلتوت

همکاری با جماعة التقريب

تأسیس دار التقريب، گامی بود تا عالمان و اندیشه‌مندان مذاهب اسلامی گرد هم آیند و در کنار یک‌دیگر چاره‌اندیشی‌های لازم را برای پیشرفت امت مسلمان ارائه دهند. شیخ قمی با علاقه‌ای که به این امر داشت، کار گروهی خود را ادامه داد، و روابط گسترده‌ای با اساتید و علما ایجاد کرد. در منزل محقر و بی‌آلایش وی، جلسه برگزار می‌گردید و برخی از جلسه‌ها در یکی از رواق‌های دانشگاه الازهر برگزار می‌شد و در آن مشکلات مسلمانان، مسائل و شبهه‌های مذهبی مطرح می‌گردید و گفت‌وگوهای امیدوارکننده به گوش می‌رسید تا این که انسجام و اتحاد و همبستگی گروهی شکل بهتری به خود گرفت و تعدادی دیگر از معتقدان به تقرب به آن پیوستند.

شیخ مراغی هم همواره تلاش می‌کرد تا رسالت تقرب به سرانجامی مطلوب نایل آید. یکی از اقدام‌هایی که او انجام داد، این بود که شیخ قمی را به گروهی از علما معرفی نمود. این افراد از تلاش‌های وحدت مسلمانان و رفع تفرقه بین آنها حمایت می‌کردند. از جمله این علما، شیخ مصطفی عبدالرزاق بود که بعدها به ریاست الازهر رسید، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت (که هر دو آنها متولی ریاست الازهر شدند)، شیخ محمد مدنی و شیخ محمد علی علویه پاشا از دیگر حامیان شیخ قمی به حساب می‌آمدند. سپس شیخ قمی جمعی دیگر را برگزید، از جمله این بزرگان شیخ حسن البنا، شیخ عبدالعزيز عیسی و شیخ علی مؤید از کشور یمن و سید آلوسی فرزند صاحب تفسیر روح المعانی بود. از این گروه بود که هسته اولیه جمعیت همبستگی و تقرب شکل گرفت. همین جمعیت مؤسسه‌ای را بنیان نهاد که «دار التقرب» نام گرفت و خانه محقر شیخ قمی مرکز فعالیت آنها شد. (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۳)

متعصبی در جمع گروه

علامه شیخ محمدتقی قمی می‌گوید: «از بین اعضای جمعیت، شخصی متعصب در مذهب و مخالف با هرگونه نظریه، نسبت به همبستگی با شیعه را انتخاب کردم. زمانی که شیخ مراغی از این موضوع اطلاع یافت، شخصی را نزد من فرستاد و با تعجب از من پرسید، چرا این شخص را انتخاب کردید؟ در جواب گفتم: او را با آگاهی از تعصب او انتخاب کردم، زیرا ما در بین خود کسی را می‌خواهیم که اعتراض‌ها را مطرح کند، به طور غیر مستقیم مسئول جواب دادن به آن سؤال باشیم. هنگامی که شیخ مراغی جواب را شنید، نگرانی از صورتش برطرف شد و در حالی که خوشحالی، او را در خود غرق نموده بود، گفت: این نوع تفکر و آزادمنشی را به تو تبریک می‌گویم و شما با این ویژگی‌ها به طور قطع در دعوت خود موفق خواهید شد». (پیشینه تقرب، ص ۱۷۳-۱۷۴).

از دار التقرب تا مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

چند دهه از تأسیس دار التقرب سپری شد. عالمان و متفکرانی از اهل سنت و شیعه در این عرصه سخن گفتند، کتاب نوشتند، مقالاتی تدوین کردند و در مجلات و روزنامه‌ها نشر دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد وحدت امت اسلامی با افکار خردمندانه حضرت امام خمینی علیه السلام، جان تازه‌ای گرفت و علاوه بر مسائل مذهبی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صدای وحدت‌آمیز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و در پی آن اعلام هفته‌ای به نام وحدت، و مشارکت اقشار مختلف مردم در مراسم ویژه این هفته، بسیاری از آرزو و آمال اصحاب دار التقرب تحقق پیدا کرد، و هر روز بر یأس و نومیدی دشمنان اسلام و مسلمین افزوده شده بود. در ادامه این تلاش، شاهکار دیگری صورت گرفت و آن تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود. زمانی که مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی با تدبیر و عنایات ویژه قصد راه‌اندازی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را داشتند، معتقد بودند که احترام به پیشینیان اقتضا می‌کند که با علامه شیخ محمدتقی قمی مشورت نمایند. لذا، مقام معظم رهبری با واسطه، پیام شفاهی‌ای برای شیخ قمی فرستادند. شیخ بسیار خوشحال شد و با همان واسطه جواب خوب و مناسبی در تجلیل رهبر انقلاب فرستاد. پس از آن شنیده شد که این احترام و تجلیل معظم له از شیخ قمی، در وی انگیزه و نیرویی ایجاد کرده بود که باعث گردید دوباره به راه تقریب و برگشت به قاهره برای از سرگیری فعالیت‌های دار التقرب تصمیم بگیرد. ولی حادثه تصادف به زندگی این بزرگمرد عرصه تقریب و الگوی همبستگی عصر حاضر پایان داد. (ر.ک: پیشینه تقریب، ص ۱۹۰)

پارسایی و خردمندی شیخ

گرچه شیخ محمدتقی قمی از حیث ظاهر دارای قامت لاغر و نحیف بود، لیکن مردی با وقار، با صورتی درخشان، منطقی و وزین، با متانت و اخلاقی کریم و دوست‌داشتنی برخوردار بود. این صفات از علت‌های پیروزی او در دعوتش بودند. ولی در عین بی‌چیزی و پارسایی شیخ قمی، مداوم این دیدگاه را در بین گروه‌های مختلف از علما و تحصیل‌کرده‌ها ترویج می‌داد و در تمام مجامع و مراکز به شهرت خیره‌کننده‌ای دست یافت. ولی با وجود این، شیخ، شدیداً از تنگدستی و کمبود مالی رنج می‌برد. خانواده‌اش در ایران به طور نسبی در آسایش بودند و در نیازمندی‌های مالی او را یاری می‌دادند. ولی شرایط به طور منظم آماده رسیدن پول به وی نمی‌شد. در برهه‌ای بحرانی از دوران تنگدستی، یکی از سفارتخانه‌های غربی در قاهره با او تماس گرفت و از او دعوت به عمل آورد. شیخ

دعوت را پذیرفت و در آنجا اهداف و مقاصد خود را توضیح داد. سفیر، مبلغ چشم‌گیری پول به عنوان کمک به طرح او به ایشان پیشنهاد نمود. شیخ از این پیشنهاد ناگهان یگه خورد. به ویژه، این پول در شرایط نیازمندی شدید برای او حاصل می‌شد. ولی او بعد از تأملی کوتاه خطاب به سفیر گفت: «در حقیقت من به پول احتیاج خیلی زیاد دارم، ولی از گرفتن هر مبلغی از این پول امتناع می‌ورزم تا نکند که درباره این دعوت شبهه‌ای صورت گیرد.»

شگفت این جا است که شیخ قمی از گرفتن این مبلغ در زمانی که جیب او حتی از یک ریال پول هم خالی بود امتناع ورزید. خود او می‌گوید: «از سفارت به طرف خانه پیاده برگشتم چرا که توانایی پرداخت کرایه درشکه را نداشتم!» (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۲-۴۵۳)

نمونه‌ای دیگر از خردمندی شیخ قمی، جلوگیری از سوء استفاده شاه ایران نسبت به اعلان فتوای شیخ شلتوت بوده است. وقتی که قمی به ایران بازگشت رادیو و تلویزیون (دولتی) آن عصر، در صد برآمدند که این موفقیت را به نوعی به محمدرضا شاه ایران، نسبت دهند. شیخ به شدت جلوگیری کرد و برای رساندن پیام رئیس‌الزهر، شهر مقدس مشهد را که از جایگاه دینی و علمی برخوردار است برگزید و در جلسه‌ای علمی که بسیاری از عالمان بزرگ - و در رأس آن مرجع دینی آیه‌الله سید محمد هادی میلانی رحمته‌الله - حضور داشتند، فتوای شیخ شلتوت را رسماً اعلان و قرائت کرد.

اندیشه‌ها

- علامه شیخ محمدتقی قمی معتقد بود اگر درست به ریشه نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم، تمام مسلمانان را شیعه می‌یابیم، زیرا همگی دوستار خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می‌یابیم زیرا کلیه مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده باشد، لازم الاجرا می‌دانند. بنابراین ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشیم.

(تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱)

- در نگاه علامه قمی، مسلمانان همگی در اصول با یک‌دیگر مشترکند، زیرا حکمت خداوند بر این قرار گرفته است.

- به عقیده وی، تمامی مذاهب، اعم از شیعه و سنی در ایجاد فرهنگ اسلامی و رشد و نمو و تعالی آن سهیم بوده‌اند.

- او همواره، اذعان می‌نمود که اگر خواهان عزت و سربلندی گذشته باشیم، تنها یک راه پیش روی مسلمین قرار دارد و آن وحدت فرق اسلامی است.

- از منظر وی، مسلمانان در صدر اسلام با همبستگی و یکپارچگی توانستند کاخ فرهنگ اسلامی را بنا نمایند. (اتحاد و انسجام، ص ۴۴۶)

منابع و مأخذ:

- ۲۲- اتحاد و انسجام، مؤسسه امام هادی علیه السلام، انتشارات پیام امام هادی علیه السلام، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶، قم، ایران.
- ۲۳- پیشینه تقریب، محمدعلی آذرشب / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۴- تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه‌نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹.
- ۲۵- روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷.
- ۲۶- قصه تقریب، شیخ محمدتقی قمی، اعداد و تقدیم و ملاحق: سید هادی خسروشاهی، مجمع العالمي للتقریب بین المذاهب الاسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۸ هـ ق، طهران، ایران.

